

پرتوی از زندگانی

هادی علیهما السلام جواد و امام امام

این تصمیم سخت ترسیدند که نکند کار حضرت به آنجا بکشد که کار پدرش امام رضا علیه السلام کشید و منصب ولایتعهدی به او منتقل گردد. از این رو گرد هم آمدند و نزد مأمون رفته، او را از عواقب این امر بر حذر داشتند.

مأمون به آنها گفت: من اگر محمد بن علی «ع» را برای دامادی خویش برگزیدم، بواسطه برتری او در علم و دانش است بر تمام دانشمندان زمان هر چند خردسال است.

آنها در پاسخ گفتند: هر چند او تورا شیفته خود کرده ولی بهر حال او کودکی است که علم و فضلش اندک است، پس بگذار او بزرگتر شود و از علم و دانش بیشتری برخوردار گردد، آنگاه هر کاری خواستی انجام بده.

مأمون گفت: وای بحال شما، من به او آگاه‌تر از شمایم. این جوان از خاندانی است که علمشان از خدا است و از او الهام می‌گیرند، پیوسته پدرانش در علم دین و ادب از همه مردم بی‌نیاز بودند و دیگران نیازمند آنان. و خوب است شما خودتان، او را آزمایش کنید تا راستی گفتار من بر شما آشکار گردد.

گفتند: پس اجازه بده ما دانشمندی را دعوت کنیم که در حضور تو از او مسائل فقهی و احکام را پرسد، پس اگر او پاسخ صحیح و درستی داد، ما هیچ اعتراضی نداریم و اگر از پاسخ دادن ناتوان ماند، آنگاه روشن می‌شود که سخن ما در این باره از روی مصلحت بینی بوده است. مأمون به آنان اجازه داد.

باهم بحث و گفتگو کردند و رأیشان بر این قرار گرفت که از یحیی بن اکثم قاضی بخواهند تا مسئله دشواری را از امام بپرسد که او نتواند پاسخ بگوید و برای این کار، وعده اموال و نویدهای فراوانی به او دادند. مأمون روزی را تعیین کرد که همه جمع شوند و یحیی بن اکثم

امام در این ماه خجسته است. ما ضمن تبریک و تهنیت این دو ولادت فرخنده به عموم شیعیان جهان بویژه ملت عزیز ایران که افتخار پیروی و متابعت از این پیشوایان بزرگ و امامان معصوم را دارند، به گوشه‌ای از زندگانی آن دو حضرت، اشاره می‌کنیم:

زندگی امام جواد علیه السلام:

ولادت آن حضرت در روز جمعه دهم ماه رجب از سال ۱۹۵ هجری در مدینه بوده و بقول در نیمه ماه رمضان به دنیا آمده است.

وفات آن حضرت در آخر ذی قعدة و یا ۶ ذی حجه از سال ۲۲۰ در بغداد اتفاق افتاده که بدینسان عمر مبارکش بیست و پنج سال بیشتر نبوده است و برخی گفته‌اند: ۲۵ سال و سه ماه و ۲۲ روز در جهان زیسته است.

مادرش ام ولد که امام رضا علیه السلام او را «خیزران» نامید و نام اصلیش «سیبکه»، از اهالی «نویه» در آفریقا بوده است. مدت خلافت و جانشینی آن حضرت از پدرش و امامت او هفده سال بوده است.

نام مبارکش محمد، کنیه‌اش ابوجعفر و یا ابوعلی است. لقبهایش: مختار، مرتضی، متوکل، متقی، زکی، تقی، منتجب، قانع، جواد و عالم. همسر آن حضرت ام الفضل، دختر مأمون است که جریان ازدواج بدین شرح است.

ریان بن شیبب گوید: چون مأمون خواست دخترش ام الفضل را به ازدواج امام محمد جواد سلام الله علیه در آورد، بنی عباس آگاه شده و از

نهم بهمن ماه امسال مصادف است با دوّم ماه رجب که در این روز -بقول- ولادت با سعادت امام هادی سلام الله علیه رخ داده و روز دهم بهمن ماه یعنی سوّم ماه رجب، نیز روز وفات آن حضرت است. هفدهم بهمن ماه مصادف با ۱۰ رجب، روز ولادت با سعادت امام جواد علیه السلام است.

در دعای هر روز ماه رجب می‌خوانیم «اللهم انی اسألك بالمولودین فی رجب محمد بن علی الثانی وابنه علی بن محمد المنتجب...». خداوند از تو درخواست می‌کنم به حق دو مولود ماه رجب، امام محمد بن علی دوّم (امام جواد) و فرزندش امام علی بن محمد برگزیده... از این فرزند دعا بر منم آید که ولادت هر دو



نیز حاضر شد. مامون دستور داد برای حضرت جواد علیه السلام تشکی پهن کنند و دو بالش روی آن بگذارند. آن حضرت که بیش از نه سال و چند ماه از عمر مبارکش نگذشته بود به مجلس وارد شد و در جایگاه خود قرار گرفت. مامون نیز در کنار حضرت نشسته بود.

یحیی بن اکثم وارد شد و روبروی امام نشست و پس از اذن گرفتن، از حضرت پرسید: قربانت کردم، درباره شخصی که در حال احرام شکاری بکشد، چه می فرمائید؟

حضرت فرمود: «آیا در جیل کشته است یا در حرم؟ عالم به مسئله و حکم بوده است یا جاهل؟ از روی عمد کشته است یا به خطا؟ آن شخص آزاد بوده است یا بنده؟ کوچک بوده است یا بزرگ؟ نخستین بار بوده که چنین کاری می کرده یا قبلاً نیز انجام داده است؟ آن شکار از پرنده گان بوده یا غیر آن؟ از شکارهای کوچک بوده یا بزرگ؟ آن مرد اصرار بر آن کار داشته یا پشیمان است؟ در شب این شکار را کشته یا در روز؟ در حال احرام عمره بوده یا احرام حج؟ کدام یک از این اقسام بوده است؟ (زیرا هر یک حکمی جداگانه دارد).

یحیی بن اکثم سرگردان و بهت زده شد و ناتوانی و عجز در چهره اش پدیدار گشت و زبانش به لکنت افتاد به حدی که تمام حاضرین در مجلس، ناتوانیش را درک کردند.

آنگاه مامون گفت: خدای را بر این نعمت سپاس می گویم که آنچه فکر می کردم، همان طور شد. سپس رو به خویشاوندان خود کرده گفت: آیا دانستید آنچه را نمی پذیرفتید؟ و در همان مجلس، صبغۀ عقد دخترش را با حضرت جاری و ازدواج امام انجام شد.

آری! هر چند مامون، علم به مقام و منزلت امام داشت ولی دخترش را نه برای خدا به ازدواج آن حضرت در آورد بلکه از شدت ترس و خوف او بود که می خواست جاسوسی حتی در خانه حضرت داشته باشد و تمام رفت و آمدها و نشست و برخاست های او را کنترول کند و پدیشان با آرامش خاطر به حکومت غاصبانه اش

ادامه داده و احتمال هر نوع انقلاب و دگرگونی به نفع امام را از بین ببرد.

زندگی امام هادی علیه السلام

امام علی بن محمد هادی سلام الله علیه در قریه ای به نام «بصریا» در نزدیکی مدینه منوره در سال ۲۱۲ یا ۲۱۴ هجری به دنیا آمد. در روز ولادت حضرت اختلاف است. برخی گفته اند: دوم رجب بوده است و برخی پنجم رجب و عده ای ۱۵ ذی حجه نقل کرده اند. به هر حال بیشتر مورخین، ولادتش را در ماه رجب نقل کرده بدون اینکه روزش را تعیین نمایند.

در روز وفات حضرت نیز اختلاف کرده اند، برخی سوم ماه رجب و برخی ۲۵ یا ۲۷ جمادی الثانی نقل کرده اند. سال وفات آن حضرت ۲۵۴ هجری و در سامرا (مرمّن رأی) رخ داده است.

مادرش ام ولد و نامش سماته است. حضرت مدت شش سال و پنج ماه با پدر زیست و سی و سه سال تقریباً امامتش به طول انجامید. متوکل آن حضرت را بوسیله یحیی بن هرثمه از مدینه به سامرا آورد. و حضرت مدت ده سال و چند ماه در سامرا ماند تا از دنیا رفت.

نام مبارکش «علی»، کنیه اش ابوالحسن، القابش: نجیب، مرتضی، هادی، تقی، عالم، فقیه، امین، مؤتمن، طیب، متوکل. و به او «ابوالحسن الثالث» و «القیه العسکری» نیز می گویند. صاحب کشف الغمه گوید: هر چند یکی از مشهورترین القابش «متوکل» است ولی حضرت به اصحابش دستور داده بود، که او را به این نام نخوانند زیرا در آن زمان، نام خلیفه (غاصب) بوده است.

و اما سبب آمدن حضرت از مدینه به سامرا این بود که عبدالله بن محمد از سوی خلیفه متصدی کار جنگ و خواندن نماز در شهر مدینه بود و پیش متوکل از حضرت هادی علیه السلام سعایت و بدگوشی کرد. امام نامه ای به متوکل نوشت و جریان اذیت ها و آزارهای عبدالله بن محمد و دروغگویی و سعایتش را به او یاد آور شد.

متوکل که از وجود امام در آنجا بسیار هراسناک شده و احتمال انقلاب علیه خود را می داد و برای اینکه از هر نظر امام را زیر نظر بگیرد و از نزدیک مترصد اوضاع و احوالش باشد، ضمن نوشتن پاسخی به نامه امام، او را به آمدن به سامرا دعوت کرد. متن نامه متوکل به حضرت از این قرار است:

اما بعد، همانا امیرالمؤمنین!! قدر و منزلت تو را می شناسد و خویشاوندی تو را منظور دارد و حقت را لازم می شمرد و برای بهبودی وضع تو و خانواده ات، هر چه لازم باشد فراهم می سازد و وسائل عزت و آرامش شما را آماده می کند و منظورش از این احسان، رضایت خدا و ادای حق واجب شما است!!

و همانا امیرالمؤمنین! دستور داد عبدالله بن محمد را از تولیت و تصدی جنگ و نماز در مدینه، برکنار کنند زیرا همانگونه که یاد آور شده بودید، حق شما را نشناخته و قدر و مقامتان را سبک شمرده و تو را متهم به تهمتی کرده که امیرالمؤمنین! می داند. دامت به این تهمت آلوده نیست، و خلیفه می داند که تو راست می گویی و خود را برای این کاری که بدان متهم گشته ای (یعنی خلافت) آماده نکرده و چنین آرزوی نداری! ... ضمناً امیرالمؤمنین! مشتاق زیارت شما است و دوست دارد تجدید عهدی با شما بکند، اگر مایل به زیارت و ماندن در نزد او تا هر زمان که بخواهی، هستی، خود و خانواده و اطرافیانت را بردار و با کمال آرامش و آسودگی خاطر به سوی ما حرکت فرما... و ما یحیی بن هرثمه پیشکار مخصوص خود را می فرستیم که برای انجام فرمان شما در خدمتتان باشد...

چون نامه به حضرت هادی سلام الله علیه رسید، حضرت آماده حرکت به سوی سامرا شد و یحیی بن هرثمه نیز با او رهسپار شده تا به سامرا رسیدند و چون حضرت به آنجا رسید، متوکل، یک روز خود را از او پنهان کرد! و امام را در کاروانسرای گداها



- آموزش مارکسیسم- لنینیسم از دوس دانشگاههای شوروی حذف شد.
 - صدها آمریکایی علیه تجاوز نظامی آمریکا به پاناما در نیویورک دست به تظاهرات زدند.
 - باقیماندهٔ تأسیسات مرزی در طول مرزهای شوروی با ایران تخریب شد.
- ۶۸/۱۰/۱۶
- انفجار بمب پارلمان هند را لرزاند.
 - «نویسه گا» رئیس دولت پاناما به زندانی شمارهٔ ۱۱۵۸۶ آمریکا درآمد!
 - مصر خواهان اجرای کامل قطعنامهٔ ۵۹۸ شد.
 - علی رقم مخالفت دولت کلمبیا، ناوهای جنگی آمریکا راهی سواحل کلمبیا شدند.
- ۶۸/۱۰/۱۸



ضد انقلاب

- چهارتن از عوامل سازمان جاسوسی آمریکا «سبا» در روز ۱۳ آبان ماه اعدام شدند.
- ۶۸/۸/۱۵
- طی مانور و المادیات ۳ یک تن مواد مخدر از اعضای هفت باند کشف و ۸۴ قاچاقچی دستگیر شدند.
- ۶۸/۸/۲۷
- یکی از کارمندان بخش خریدهای خارجی شرکت مخابرات پس از اختلاس صدها هزار دلار متواری شد.
- ۶۸/۱۰/۱۴
- مهندس جمال گنجه مدیر کل سابق صنایع سنگین استان مرکزی و ۳ تن از همکارانش به اتهام ۳ میلیارد ریال سوءاستفاده دستگیر شدند.
- ۶۸/۱۰/۱۶
- کاروان مسلح حامل ۱۴۰۰ کیلو مواد مخدر به دام مأموران کمیته افتاد.
- ۶۸/۱۰/۱۸

- انفجار مهیبی دومین پالایشگاه بزرگ نفتی آمریکا در «لویزیانا» را لرزاند که همراه با خسارات و تلفات بوده است.
 - رؤسای جمهور دو یمن در صنعا بررسی نتایج کار کمیسیون مشترک دو کشور برای اتحاد دو یمن را آغاز کردند.
- ۶۸/۱۰/۵
- روابط دیپلماتیک مصر و سوریه پس از ده سال از سر گرفته شد.
 - مجمع عمومی سازمان ملل با اکثریت آراء خواستار خروج نیروهای اشغالگر آمریکا از پاناما شد.
 - دختر امیر کویت به جرم داشتن مواد مخدر در لندن محاکمه می شود.
 - مقر حزب کمونیست جلیل آباد آذربایجان شوروی به آتش کشیده شد.
- ۶۸/۱۰/۹
- منای لهستان با تغییر نام کشور و حذف نقش رهبری حزب کمونیست موافقت کرد.
 - یک شهردار ترک به جرم مخالفت با رژیم لائیک از سوی دادگاه امنیت ملی کشور ترکیه به دو سال زندان محکوم شد.
- ۶۸/۱۰/۱۰
- خبرگزاری فرانسه طی گزارشی از آمار اعدام شدگان سال ۱۹۸۹ در هنگ کنگ در هندلها را در این کشور ترک آسیا و حزن انگیز توصیف کرد.
 - تظاهرکنندگان در هنگ کنگ خواستار پایان دادن به حکومت کمونیستی در چین شدند.
- ۶۸/۱۰/۱۲
- سفارت واتیکان در پاناما «نویسه گا» را به نیروهای آمریکا تحویل داد. بوش از کمکهای پاپ و نماینده او در واتیکان در حل مسئله «نویسه گا» میانسگاری کرد.
- ۶۸/۱۰/۱۴

- توطئه مشترک رژیمهای عربستان و عراق برای نامگذاری معمول بر روی خلیج فارس با شکست مواجه شد.
 - پاسرهرفات خواستار مذاکره با اسرائیلیها در وروشو شد.
- ۶۸/۹/۲۳
- مردم شیلی با پیروزی «پاتریسیو آبلوین» در انتخابات ریاست جمهوری پایان دیکتاتوری ۱۶ ساله پینوشه را جشن گرفتند.
 - درگیری مسلحانه طرفداران عرفات با نیروهای سوریه در جنوب لبنان ۳۲ کشته و مجروح برجای گذاشت.
 - دولت چین ۱۴۸۰ نفر را به اتهام خرید و فروش زنان و کودکان دستگیر کرد.
- ۶۸/۹/۲۵
- یک شبکه فروش کودکان در ترکیه کشف شد.
 - توسط وزیر خزانه داری ایتالیا، پرده از رسوایی بانک کار ایتالیا در دادن وام مخفیانه به عراق برداشته شد.
- ۶۸/۹/۲۶
- بوش: واکنش مثبتی از ایران در قبال روابط با آمریکا صورت نگرفته است.
 - انتخابات ریاست جمهوری برزیل پس از ۲۹ سال برگزار شد.
 - ارتش متجاوز آمریکا با حمله از زمین، هوا و دریا به کشور کوچک پاناما، جمع کثیری از مردم بی دفاع این کشور را به خاک و خون کشید.
- ۶۸/۹/۳۰
- در پی قیام مردم، مخالفین چائوشکو در رومانی به قدرت رسیدند.
 - عربستان: هر چه آمریکا خواست در اختیارش گذاشیم.
 - دوست هزار تظاهرکننده در رومانی شبل سوسیالیسم را دو نکه کردند.
 - پارلمان جدید شوروی، تجاوز نظامی به افغانستان را محکوم کرد.
 - چائوشکو رهبر رومانی و همسرش به جرم کشتار هزاران تن از مردم رومانی و سرقت بیش از یک میلیارد دلار و تلاش برای فرار از کشور اعدام شدند.

بقیه از برتوی از زندگانی...

او مد نظر است، فرق نمی کند که انسان در بوستانی با طراوت باشد یا در منزلی محقر). ضمن عرض تبریک و تهنیت بمناسبت ولادت این امام مفترض الطاعه در دوم ماه رجب، به عموم شیعیان جهان بویژه ملت عزیز ایران، بمناسبت وفات آن حضرت در سوم همین ماه، به همگان تسلیت عرض می کنیم، که در روایت معصوم سلام الله علیه آمده است: «شیعتنا خلقوا من خالص طینتنا، بفرحون لفرحنا و بحزون لحزنتنا» شیعیان ما از گیل نابمان آفریده شده اند و لذا در شادی ما شاد و خرم اند و در غم ما غمگین و محزون اند.

(کاروانسرای گدایان) جا داده اند؟ حضرت فرمود: ای پسر سعید، تو نیز چنین فکرمی کنی؟ سپس با دست اشاره کرد، ناگاه باغهایی با طراوت و نهرهایی روان و درختهایی سبز و خرم دیدم، پس چشم من از آن منظره، خیره و شگفتم بسیار شد. آنگاه فرمود: ای پسر سعید! ما هر کجا باشیم، این نعمتها برای ما مهیا است، مادر کاروانسرای گداهای نیستیم. (شاید حضرت اشاره کرده است، به اینکه اگر بخواهد، آن کاروانسرا را مبدل به بهشتی برین می کند و برای خدا صبر و تحمل می کند و چون برای خدا است و رضایت

بود، فرود آورد و پس از گذشتن یک روز تمام، دستور داد خانه مختصری برای آن حضرت تخلیه کرده و او را بدانجا منتقل نمودند. و اینچنین طبق وعده هایش - از حضرت پذیرائی کرد! صالح بن سعید می گوید: روزی که حضرت هادی سلام الله علیه به سامرا وارد شد، من خدمتش رسیده به او عرض کردم: قربانت گردم، اینان در همه جا می خواهند نور شما را خاموش کنند و از قدر و منزلت شما بکاهند تا جایی که شما را در این کاروانسرای کشیف و بدنام